

چگونه استراتژی رسانه‌ای و نظامی آمریکا

در برابر ایران در هم شکست؟

سندروم «مَس»

تا تحقق وعده انتقام

صفحه ۴

شنبه ۱۰مرداد۱۴۰۵ | ۱۷صفر۱۴۴۸ | اول آگوست ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۶۷۵ | ۴ صفحه | ۱۰هزار تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



۱۹۱ سال و ۳۳۴ روز گذشت |



حمله جنايتكارانه آمريكا به قشم با ضربات موشكي
نيروهاي مسلح به پاگاه‌هاي اين کشور و توقف
نفتکش‌های مختلف پاسخ داده شد

انتقام سینا

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4675 | SAT.AUG.01,2026 | ISSN:2008-2886

توصیه فارن پالیسی به دونالد ترامپ درباره چگونگی پایان دادن به جنگ علیه ایران

هنر خوب باختن!

تیتیر های امر وز



نقش نفت در تغییر انتظارات نرخ بهره
و معادلات سیاسی واشنگتن

جبهه پنهان جنگ

صفحه ۴

افزایش بی سر و صدای آمار مجروحان از تش آمریکا
در جنگ علیه ایران بدون اعلام رسمی

انجمن مخفی

پنتاگون

صفحه ۳

گزارش «وطن امروز» از ابهامات درباره کارایی
اتلاف ادعایی عربستان در دریای سرخ

مشق اشتباه

سعودی

صفحه ۳

بررسی گزینه‌های محدود آمریکا میان

جنگ هر هزینه و پذیرش نقش ایران در مدیریت هرمز

گره کور ترامپ

صفحه ۲

چگونه فناوری فضایی می تواند

بر اقتصاد، مخابرات و دفاع ایران اثر بگذارد؟

ایران در رقابت فضایی قدرت‌ها



جنگ اخیر آمریکا علیه ایران، صرفا نبردی در زمین، درسا یا آسمان نبوده؛ این جنگ، عرصه‌ای برای آشکار شدن اهمیت حوزه‌ای بود که سال‌ها کمتر درباره آن سخن گفته می‌شد: «فضا». بسیاری از گزارش‌های منتشرشده از سوی اندیشکده‌های بین‌المللی و رسانه‌های غرب نشان می‌دهد بخشی از توانایی ایران در شناسایی اهداف، مدیریت صحنه نبرد، پردازش داده‌ها، تحلیل تحرکات دشمن و ایجاد یک تصویر عملیاتی مشترک، بر پایه زیرساخت‌های فضایی، سامانه‌های پردازش داده و شبکه‌های ارتباطی پیشرفته شکل گرفته است.

شاید تا یک دهه پیش، برنامه فضایی ما صرفا پروژه‌ای علمی و نمادین تلقی می‌شد اما اکنون حتی منتقدان این برنامه نیز می‌پذیرند فناوری فضایی به یکی از ارکان قدرت ملی ایران تبدیل شده است. آنچه امروز اهمیت دارد، صرفا ساخت یک ماهواره یا پرتاب آن به مدار نیست، بلکه ایجاد یک اکوسیستم کامل شامل طراحی، تولید، پرتاب، دریافت داده، پردازش اطلاعات و تبدیل آن به تصمیم عملیاتی است.

در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان برنامه فضایی ایران را تنها مجموعه‌ای از فعالیت‌های دانشگاهی یا پژوهشی دانست، بلکه باید آن را بخشی از معماری امنیت ملی و زیرساختی دانست که در سال‌های آینده، نقشی تعیین‌کننده در اقتصاد، صنعت، امنیت و دفاع ایفا خواهد کرد. با توجه به وعده‌های سازمان فضایی کشور، به نظر می‌رسد کم کم باید آماده پرتاب ماهواره «تاهید ۳» به فضا باشیم. «تاهید ۳» را می‌توان مهم‌ترین حلقه زنجیره استقلال فضایی ایران دانست، زیرا استقرار یک ماهواره مخابراتی در مدار زمین‌آهنگ، ضمن کاهش وابستگی کشور به زیرساخت‌های خارجی، امکان ارائه خدمات ارتباطی پایدار، امن و گسترده را در حوزه‌های غیرنظامی، تجاری و راهبردی فراهم می‌کند و جایگاه ایران را در رقابت فراینده قدرت‌ها بر سر تسلط بر فضا ارتقا می‌بخشد.

■ **انتقال فناوری تا استقلال کامل**

نگاهی به روند ۳ دهه گذشته نشان می‌دهد صنعت فضایی ایران، مسیر تدریجی اما پیوسته را طی کرده است. این مسیر از همکاری‌های محدود خارجی آغاز شد اما به تدریج به مرحله بومی‌سازی فناوری رسید و اکنون در حال ورود به مرحله صنعتی‌سازی و توسعه منظومه‌های فضایی است. سازمان صنایع الکترونیک ایران (صاایران) یکی از مهم‌ترین بازیگران این عرصه است.

ادامه در صفحه ۲

رئیس دولت تروریست آمریکا هر چه بیشتر ادامه دهد و از گزینه جنگ گسترده مجددا حرف بزند، فقط بیشتر به پای خودش و آمریکا شلیک خواهد کرد و باید امتیازات سنگین دیگری واگذار کند.

■ **هنر خوب باختن**

این همان چیزی است که رسانه تخصصی سیاست خارجی آمریکا یعنی مجله فارن پالیسی آن را اینگونه معنا کرده: «هنر خوب باختن».

رسانه آمریکایی در تحلیلی که تیتیر یک این سایت را به خود اختصاص داده، نوشته است: دولت ترامپ باید فرضیات نادرستی را که از همان ابتدا آمریکا را وارد جنگی پر هزینه کرد، مورد بازبینی قرار دهد. این دولت فضایی از ارباب در سیاست بین‌الملل ساخته بود، امروز چیزی جز مضحکه و دستمایه خنده جهانیان نیست. تمام گزارش‌ها و تحلیل‌هایی که با اعداد و ارقام در فضای رسانه‌ای – اندیشکده‌ای آمریکا به طور روزانه منتشر می‌شود، تنها به یک خروجی ختم می‌شود: ترامپ فقط باید پای خود و آمریکا را از این جنگ و مهلکه خودساخته بیرون بکشد.

حالا دیگر حتی کارتی نمانده که در ازای آن برای وی پنجره خروج ایجاد شود، بلکه او باید برای جلوگیری از فاجعه بیشتر، فقط از صحنه نبرد فرار کند. نه خبری از باز شدن تنگه هرمز خواهد بود و نه فضایی برای گزینه‌های پرریسک دیگر که فقط در ذهن فتن‌زی و کودکانه ترامپ قابلیت تحقق دارد، وجود خواهد داشت.

انتخابات میان دورهای آمریکا محقق نخواهد شد. دولت باید توافقی پایدار تر درباره تنگه هرمز تدوین کند. چنین توافقی مستلزم ارائه امتیازهای قابل توجه به ایران است.

ژورنال تخصصی سیاست خارجی با هشدار نسبت به توهمات کاخ سفید تصریح کرد: در واشنگتن این باور نادرست وجود دارد که افزایش فشار می‌تواند ایران را به زانو درآورد. طی ۵ دهه، ایالات متحده از هر نوع فشار نظامی، اقتصادی و سیاسی که در اختیار داشته، برای وادار کردن ایران به پذیرش خواسته‌های خود استفاده کرده اما این سیاست موفق نبوده است. اگر ترامپ همچنان تصور کند ایران سرانجام در برابر قدرت آمریکا تسلیم خواهد شد، شکست خواهد خورد. فارن پالیسی ادامه داد: کلید دستیابی به هر توافق پایدار این است که ۲ طرف بتوانند به طور مشروع ادعا کنند پیروز شده‌اند. بهتر این راه برای رسیدن به این هدف آن است که ۲ طرف بر دستاوردهای کوچک، مشخص و عملی تمرکز کنند. ۲ طرف می‌توانند با اصلاح برخی بخش‌های تفاهمنامه (MOU) به این هدف دست یابند. ایالات متحده باید آماده باشد حملات را متوقف کند، محاصره را پایان دهد و مجوز عمومی X را دوباره صادر کند؛ اقدامی از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا که فروش نفت ایران را مجاز می‌کند، بدون آنکه تاریخ مشخصی برای پایان اعتبار آن تعیین شود. این اقدام می‌تواند در ازای همکاری ایران درباره تنگه هرمز انجام گیرد. چنین اقدامی یک

تحلیلی درباره فاصله میان پیروزی راهبردی و ادراک عمومی آن در ایران

پیروزی را باید روایت کرد

ساعت نیز در تجمعات شرکت نکردند، انجام داده‌اند. توضیح و تشریح زندگی سخت بر اثر جنگ و تحریم و در عین حال، رسم و شیوه کشورداری به‌ویژه در حوزه تأمین و خدماتی، همچنان می‌تواند سوزه بسیاری از روایت‌ها باشد. خرده‌روایت‌ها در کنار تنوع‌بخشی به زاویه دیدها باید تا اندازه‌ای گسترده و عمیق شود که همگان خود را در این پیروزی شریک ببینند و بدانند. در این میان، دولت نیز باید شرح آنچه را برای بسیاری بدیهی به نظر می‌رسد، جدی بگیرد. برای مثال، تأمین آب شیرین روستاهای سیریک که بر اثر بمباران دشمن دون دچار اختلال شد یا نحوه بازسازی پل «ی ۱» کرج که ۱۳ فروردین امسال هدف دشمن قرار گرفت، سوزه‌های به مراتب فراگیرانه‌تری هستند تا توضیح نقشه بعد آمریکا در حوزه نظامی. تردیدی نیست روایت به تنهایی نمی‌تواند اقناع حاصل و پیروزی را در ذهن تثبیت کند. در جنگ ترکیبی، غذا و اقتصاد و نظامی‌گری و دیپلماسی و تربیت فرزند همگی عرصه‌های نبردی هستند که دشمن فعالانه میان آنها جابه‌جا می‌شود و چه بسا لحظه‌ای هم هیچ‌یک از آنها را کنار نمی‌گذارد. اتفاقا همین موضوع می‌تواند به ادراک بهتر پیروزی در ذهن کمک کند. دشمن تعداد و عرصه نبرد را بالا برده و در همه آنها شکست خورده؛ در یکی کمتر و در یکی بیشتر. واکنش شایسته به این جنگ ترکیبی، روایت ترکیبی همه این عرصه‌هاست، نه اینکه در پی آن باشیم در یک عرصه خود را پیروز

امتیاز اقتصادی مهم و دائم برای ایران به شمار می‌رود، به نوشته فارن پالیسی، برای ایالات متحده مهم‌ترین مزیت چنین ترتیبی این خواهد بود که فورا از چرخه تشدید تنش‌های جنگ خارج شود. علاوه بر این، آمریکا باید به صورت آرام و به دور از هیاهوی رسانه‌ای با کشور‌های خلیج فارس همکاری کند تا به آنها در تدوین یک راهبرد هماهنگ و مشترک برای تعامل با ایران در آینده کمک کند. واشنگتن معمولا هرگونه منافع خود تلقی می‌کند اما واقعیت آن است که این کشور‌ها ناچارند در روابط خود با تهران تعادلی ظریف میان تعامل و بازدارندگی برقرار کنند. اگر آمریکا این واقعیت را نپذیرد، احتمال اینکه شرکای عرب، خود به دنبال سیاست‌هایی بروند که با رویکرد واشنگتن در قبال ایران در تضاد باشد، بیشتر خواهد شد.

رسانه آمریکایی در پایان یساده‌آوری کرد: برخی حامیان جنگ علیه ایران ممکن است اجرای چنین طرحی را که بر اهداف کوچک، واقع‌بینانه و دست‌یافتنی استوار است، به منزله شکست تلقی کنند اما ترامپ نباید چنین نگاهی داشته باشد. او به این جنگ پایان دهد، از گرفتار شدن در همان دامی جلوگیری خواهد کرد که پیش‌تر ایالات متحده را در جنگ‌های ویتنام، عراق و افغانستان گرفتار کرد. او می‌تواند به دستاوردهای اقتصادی واقعی دست یابد، متحدان آمریکا را تقویت کند و در عین حال، راه را برای توافقی‌های بزرگ‌تر در آینده باز نگه دارد و شاید

مطلق تصویر کنیم و در عرصه دیگر، مانند اقتصاد که اتفاقا پرسش و تردید بیشتری در آن در جریان است، سکوت کنیم. آنچه پیروزی شگفت‌آور ایران در عرصه نظامی را تحت‌الشعاع قرار داده، وضعیت غیرقابل دفاع اقتصاد و معیشت است.

برای آنکه این وضعیت را نه با هدف توجیه، بلکه با هدف اقناع به منظور ادراک بیشتر، روایت کنیم، نیازی نیست مرتباً پیروزی در عرصه نظامی را پررنگ کنیم. اگر دشمن تاب‌آوری ایرانیان را هدف گرفته و در پی فرسایش ذهنی مقاومت است تا تسلیم و سازش به اسم صلح و عقلانیت به یک مطالبه عمومی تبدیل شود، باید آن تکنیک دشمن‌ان است که میان عناصر قدرت‌ساز کشور و مسائل روزمره مردم دو گانه می‌سازد. دشمن در یافته می‌تواند تنها با فشار بر پشت جبهه، سلاح برآن خط مقدم را کند کند و از این رو در تلاش است نقطه برتری را زمینه بدبختی تصویر و ترسیم کند و آن تبیین و توضیحی که مرتباً به اسم جنگ ترکیبی، از ناکارآمدی در تأمین معیشت می‌گذرد و به موشک و توان نظامی اشاره می‌کند، بیش از هر چیز، نقطه قدرت را در گام نخست به چیزی که به زیست روزمره